



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

معنای زندگی

از منظر علامه طباطبایی (ره) و شاگردان ایشان

:

:

:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت مقدس صاحب الامر(عج)

و

ارواح مطهر و پرفتوح امام شهیدان و شهدای انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس

و

روح ملکوتی علامه طباطبائی(ره)

و

روح شهید بزرگوار استاد مطهری(ره)

تقدیر و تشکر

بجاست که در آغاز این تحقیق، از محضر همه‌ی دانشمندان الهی و بزرگان مکتب علم که کتب ارزشمند آنان دستمایه این تحقیق بوده و بسیاری از آنان از عالم خاک پر گشوده و در جوار رحمت حق مأوا گزیده‌اند قدردانی نمایم و از خداوند غفار علو درجات آنان را خواستار گردم.

اما بعد، به فرموده‌ی معصوم که «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» بر خود فرض می‌دانم از همه‌ی کسانی که در انجام این رساله مرا، به نوعی یاری کرده‌اند صمیمانه تشکر و قدرشناسی خود را ابراز کنم از استاد محترم راهنما، آقای دکتر قائمی‌نیا، که در طی تألیف رساله از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند شدم و نیز از استاد مشاور، آقای دکتر فیروزجائی به خاطر مشاوره‌هایشان. همچنین از همسر و فرزندانم که صبورانه و با سعه صدر مرا تا اتمام این مقطع تحصیلی همراهی کردند و از مادر عزیزم که دعای خیرش همواره بدرقه راهم بود سپاسگزارم.

چکیده

در حال حاضر یکی از دشوارترین پرسش‌ها و معضلات فلسفی، معنای «زندگی» است. با توجه به اهمیت موضوع بسیاری از متفکران قدیم و جدید در قالب مکاتب مختلف الهی و مادی سعی کرده‌اند تا پاسخی برای سؤال از معناداری زندگی بیابند. پژوهش حاضر پیرامون دیدگاه فیلسوف و عالم بزرگ دینی علامه طباطبائی (ره) و سه تن از شاگردان برجسته ایشان در مورد معنا و مفهوم زندگی است. در این جستار سعی شده تا دیدگاه این عالمان در مورد مؤلفه‌هایی همچون حیات انسان و انواع ارتباطات او در عالم هستی، نقش دین، اخلاق، محبت در معنا بخشیدن به زندگی و نسبت زیستن و گزاره‌های دینی با نگرش درون دینی مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت معلوم شد که معنای زندگی و هدف نهایی که اسلام برای زیستن آدمی در این دنیا تصویر کرده، بازگشت آزدانه به اصل خویشتن است و زندگی دنیا گذرگاه حرکت و صعود و بازگشت به سوی خداوند یکتا است. خدایی شدن و نیل به مظهریت اسماء و صفات الهی که قرب و نزدیکی انسان به خداوند را فراهم می‌سازد، تمام آن چیزی است که معنای زندگی یک انسان را از دیدگاه این عالمان و به عبارت بهتر از دیدگاه اسلام تشکیل می‌دهد. کلیدواژه‌ها: زندگی، انسان، خدا، دین، معنا.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۲	فصل اول: کلیات.....
۳	مقدمه.....
۳	۱. بیان مسأله.....
۴	۲. سؤالات تحقیق.....
۵	۳. فرضیه‌های پژوهش.....
۵	۴. تعریف واژگان.....
۶	۵. ضرورت پژوهش.....
۷	۵. پیشینه پژوهش.....
۸	۷. معنای «معنای زندگی».....
۹	۸. پیشینه فلسفی.....
۱۲	۹. زندگی‌نامه علامه طباطبائی (ره).....
۱۶	فصل دوم: معنای زندگی از منظر علامه طباطبائی (ره).....
۱۷	مقدمه.....
۱۸	حیات از دیدگاه قرآن.....
۱۸	۱. حیات جاریه معمولی.....
۲۰	۲. حیات، حقیقتی پست و فریبده.....
۲۲	۳. حیات طبیعی و علم ناچیز انسان در باره آن.....

۲۳ تشبیه حیات از افق قرآن
۲۶ هدف از آفرینش حیات
۲۹ دین و معنای زندگی
۲۹ ۱. تأثیر جهان‌بینی فرد در هدفمندی زندگی
۳۱ ۲. دین و نیازهای روانی انسان
۳۲ ۲-۱. نجات از گرداب تنهایی
۳۳ ۲-۲. تأمین عدالت و دادگری
۳۵ ۲-۳. فرو نشاندن عطش جاودانگی
۳۶ ۲-۴. تقویت صبر و بردباری
۳۸ ارتباطات انسان در زندگی
۳۸ مقدمه
۳۸ ۱. ارتباط انسان با خود
۴۲ ۲. ارتباط انسان با خدا
۴۴ ۳. ارتباط انسان با طبیعت
۴۷ ۴. رابطه انسان با دیگر انسان‌ها
۵۱ دوگونه زندگی از منظر اسلام
۵۱ ۱- حیات معنوی یا حیات طیبه
۵۴ ۱-۱. اخلاق، محور حیات طیبه
۵۴ ۱-۱-۱. مکاتب سه‌گانه اخلاقی
۵۴ ۱-۱-۲. مکتب یونانی
۵۵ ۱-۱-۳. مکتب دینی عام
۵۵ ۱-۱-۴. مکتب دینی خاص یا نظام اخلاقی قرآن
۵۸ ۱-۲. رابطه اخلاق و معنابخشی به زندگی

- ۱-۳. نقش محبت در معنابخشی به زندگی ۶۲
- ۱-۴. ویژگی‌های زندگی معنادار ۶۶
- ۱-۴-۱. ایمان توأم با عمل صالح ۶۶
- ۱-۴-۲. توأسی به حق و صبر ۶۷
- ۱-۴-۳. شیرین شدن تلخی‌ها و مصیبت‌ها ۶۸
- ۱-۴-۴. حیات توأم با آرامش روحی ۶۹
- ۱-۴-۵. محبت خداوند ۷۰
- ۱-۴-۶. توکل بر خدا ۷۰
- ۱-۴-۷. نترسیدن از مرگ ۷۱
- ۲- حیات خاسره یا زندگی بی‌معنا و تاریک ۷۱
- ۲-۱. ویژگی‌های زندگی بی‌معنا ۷۳
- ۲-۱-۱. از دست دادن ابزار فهم ۷۳
- ۲-۱-۲. کفرورزی ۷۵
- ۲-۱-۳. خودفراموشی ۷۶
- ۲-۱-۴. سلب شیرینی عبادت ۷۷
- ۲-۱-۵. زیبا دیدن زشتی‌ها ۷۷
- ۲-۱-۶. ترس و اضطراب و ناامیدی ۷۸
- ۲-۱-۷. رواج فساد ۷۹
- ۲-۱-۸. بی‌هدفی و بی‌معیاری ۸۰
- فصل سوم: معنای زندگی از منظر شاگردان علامه طباطبائی (ره) ۸۵**
- معنای زندگی از منظر شهید مطهری (ره) ۸۶**
- ۱- هدف زندگی ۸۶
- ۲- سعادت واقعی چیست؟ ۸۷

۳- انسان در جهان بینی اسلامی.....	۸۹
۱-۳. ارزش های انسان در قرآن.....	۹۰
۲-۳. ضد ارزش های انسان در قرآن.....	۹۴
۳-۳. انسان موجودی زشت یا زیبا؟.....	۹۵
۴-۳. انسان موجودی چندبُعدی.....	۹۶
۱-۴-۳. علم و دانائی.....	۹۷
۲-۴-۳. گرایش به خیر و فضیلت.....	۹۸
۳-۴-۳. جمال و زیبایی.....	۹۹
۴-۴-۳. تقدیس و پرستش.....	۹۹
۵-۳. توانائی های گوناگون انسان.....	۱۰۱
۴- جهان بینی توحیدی و معنای زندگی.....	۱۰۲
۵- رابطه اخلاق و معنای زندگی در دیدگاه شهید مطهری(ره).....	۱۰۴
۶- بحران معنوی، بزرگترین بحران عصر حاضر.....	۱۰۷
۱-۶. افزایش خودکشی ها.....	۱۰۷
۲-۶. خالی ماندن ساعات فراغت.....	۱۰۸
۳-۶. ازدیاد بیماری های عصبی و اختلالات روانی.....	۱۰۸
۴-۶. کمبود عواطف.....	۱۰۹
۵-۶. مسئله گرسنگی.....	۱۱۰
۶-۶. مسئله آلودگی محیط زیست.....	۱۱۱
۷- ایمان، راه حل بحران های معنوی.....	۱۱۱
معنای زندگی از منظر آیت الله جوادی آملی.....	۱۱۳
۱- انواع ارتباطات انسان.....	۱۱۳
۱-۱. ارتباط با خویشان.....	۱۱۳

۱-۲. رابطه انسان با خدا.....	۱۱۶
۱-۳. رابطه انسان با طبیعت.....	۱۱۷
۱-۴. رابطه انسان با دیگر انسان‌ها.....	۱۱۸
۲- زندگی معنوی و حقیقی انسان یا حیات مُتألّهانه انسان.....	۱۲۱
۲-۱. تعریف الهی انسان.....	۱۲۱
۲-۲. مرگ حقیقی یا حیات غیر متألّهانه انسان از نگاه قرآن و حدیث.....	۱۲۳
۲-۳. جایگاه عقل در حیات حقیقی انسان.....	۱۲۶
۲-۴. نقش قرآن و عترت در حیات الهی انسان.....	۱۲۸
۲-۵. نقش اخلاق در حیات الهی انسان.....	۱۳۲
۳- آموزه‌های اخلاقی اسلام برای تضمین حیات حقیقی انسان.....	۱۳۵
۳-۱. دعوت انسان به قیام و اقامه دین.....	۱۳۶
۳-۳. فراخوان اسلام به پرهیز از لغو.....	۱۳۷
۳-۳. دعوت به حق‌محوری و شناخت حقایق عنداللّهی.....	۱۳۹
۴- رسالت رسانه‌های جهانی پیرامون حیات انسانی.....	۱۴۱
معنای زندگی از منظر آیت الله مصباح یزدی.....	۱۴۴
۱- هویت و ماهیت انسان.....	۱۴۴
۲- کرامت انسان.....	۱۴۶
۳- نقش خودشناسی و خودسازی در معنابخشی به زندگی.....	۱۴۸
۴- مقام قرب الهی مطلوب انسان در نیل به زندگی حقیقی.....	۱۵۱
۵- معرفت شرط لازم نیل به قرب الهی یا زندگی معنوی.....	۱۵۳
۶- رابطه ایمان و عمل در معنابخشی به زندگی.....	۱۵۴
۷- ویژگی‌های زندگی گوارا و پایدار.....	۱۵۶
فصل چهارم: خلاصه و نتیجه‌گیری.....	۱۶۲

۱۶۹.....حاصل کلام:

۱۷۳.....فهرست منابع

پیشگفتار

حمد و سپاس تو را ای که اولیائت را به نعمت لقاییت مشرف فرمودی و عاشقانیت را به اقامت بر پیشگاهت گرامی ساختی! ای کسی که آسرار اهلّت را برای نیل به رؤیت جمالت برگزیدی و با حجاب جلالت از دیدگاه خلقت محجوب ماندی. سلام و درودت بر آن کس که مظهر کامل تو و تجلّی رحمت و رأفت توست او را که در کتابت به «رحمة للعالمین» خطاب نمودی و در وصف او گفته‌اند: «طیب دَوَّارٌ بِطِبِّهِ» و درود بر خاندان پاکش که بهترین خلق و اعلام هدایت رستگاری‌اند و بر کسانی که تا قیامت از آنان پیروی کنند.

فصل اول:

کلیات

مقدمه

سخن گفتن از معنای زندگی کاری است بی‌پایان زیرا متناسب با تنوع زندگی، تنوع معنا برای آن نیز وجود دارد و هنوز در پهنه هستی، زندگی با همه حقیقت خویش برای همگان ظاهر نشده است و نسل‌های پیاپی همچنان که از راه می‌رسند زندگی را به شیوه جدیدی معنا می‌کنند. پرسش از معنای زندگی قدمتی به درازای تاریخ اندیشه آدمی دارد، زیرا از زمانی که بشر قادر به جهت بخشیدن به تفکراتش شد قلمرو و معنا و مفهوم زندگی نیز به عنوان موضوعی اساسی توجه او را به خود معطوف نمود. پرسش از زندگی، چیستی آن، فرجام آن و نسبت میان این دو - به مثابه پرسش‌های بنیادین - از آغاز تاکنون، ذهن بشر را به خود مشغول داشته است و تا زمانی که برای این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی اقلانگنده یافت نشود نمی‌توان چنان زیست که شایسته بشر باشد.

در این پژوهش به بررسی معنای زندگی از منظر علامه طباطبائی (ره) و شاگردان برجسته ایشان می‌پردازیم و نگرش ایشان به عنوان یک فیلسوف و مفسر دین و قرآن را در مورد نحوه زندگی و معنای غایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. بیان مسأله

انسان موجودی است کمال‌گرا و هدفمند که از بیهودگی، بی‌معنایی و بی‌هدفی سخت‌گیران است. بیهودگی و پوچی، چنین موجودی را ارضا نمی‌کند و از این رو اگر زندگی، معنا و هدفی نداشته باشد، زنده ماندن، ارزشی نخواهد داشت؛ هرچند تمامی امکانات زندگی فراهم باشد. علت نارضایتی و سرد شدن زندگی، «ناکامی در رفاه نیست زندگی ساده و حتی سخت

را می‌توان دوست داشت و راضی بود، به شرط آن که معنای زندگی را درک کرده باشیم. آنچه موجب بن بست و ناامیدی در زندگی می‌شود، «ناکامی در معنابخشی» است. با توجه به اینکه زندگی در محیط معنا و مفهوم یافته و مؤلفه‌هایی را بر هر موجود زنده مترتب می‌کند نگرش‌های متفاوتی در مورد زندگی و معنای آن پدید می‌آید. رویکرد الهیون به زندگی و معنای آن با رویکرد غیر الهیون بسیار متفاوت است. مشکلی که بسیاری از صاحب‌نظران دنیای غرب در تفسیر زندگی دارند، این است که در اثر دیدگاه طبیعت‌گرایانه و عدم شناخت انسان، توجه خود را به بُعد مادی وی محدود کرده‌اند. در حالی که نگرش الهیون به انسان و زندگی او علاوه بر دیدگاه طبیعی یک دیدگاه غیر طبیعی و ماورائی بوده و ابعاد مختلف زندگی انسان را مورد توجه قرار می‌دهند. و درک معنای زندگی و فلسفه آن را پیش‌فرض اصلی گذران یک زندگی، زنده و پویا می‌دانند.

از جمله فلاسفه‌ای که صاحب نظرات ارزشمندی در زمینه حیات، معنای زندگی و فلسفه آن است، مرحوم علامه طباطبائی (ره) فیلسوف، حکیم و متفکر بزرگ اسلام می‌باشد. در این جستار، سعی ما بر آن است که نگرش این فیلسوف بزرگ الهی و شاگردان برجسته ایشان را در مورد معنای زندگی بررسی و تبیین نمائیم.

۲. سؤالات تحقیق

- ۱- نحوه نگرش مرحوم علامه طباطبائی (ره) و شاگردان ایشان به زندگی و معنای آن چگونه است؟
- ۲- هدف‌دار بودن آفرینش در دیدگاه علامه و شاگردان به چه معناست؟
- ۳- در دیدگاه علامه (ره) و شاگردان ایشان نقش دین در تعیین خط مشی زندگی چگونه است؟
- ۴- از نظر مرحوم علامه و شاگردان ایشان آیا جهان‌بینی فرد در هدف‌مندی زندگی مؤثر است؟
- ۵- از منظر علامه (ره) و شاگردان ایشان آیا دین قادر است زندگی را هدفمند کند؟

۶- از منظر علامه و شاگردان ایشان نقش دین در ارائه زندگی اخلاقی و معنوی و روانی سالم چگونه است؟

۷- در منظر مرحوم علامه و شاگردان ایشان تفاوت‌های حیات معنوی (طیبه) با حیات غیر معنوی (خاسره) در چیست؟

۸- در نظر علامه (ره) نقش اخلاق در معنابخشی به زندگی چگونه است؟

۹- به اعتقاد علامه (ره) و شاگردان ایشان نقش محبت در معنابخشی به زندگی چه میزان است؟

۱۰- به اعتقاد علامه (ره) و شاگردان ایشان آیا برای معنادار بودن زندگی دنیوی اعتقاد به زندگی اخروی لازم است یا نه؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

- از منظر علامه طباطبائی (ره) و شاگردان ایشان زندگی دارای معنا و مفهوم است.
 - از منظر علامه (ره) و شاگردان ایشان دین نقش عمده‌ای در معنابخشی به زندگی دارد.
 - در نگرش علامه (ره) و شاگردان ایشان تشخیص هدف خلقت به زندگی انسانها معنا می‌بخشد.

- در دیدگاه علامه (ره) و شاگردان ایشان دین به دلیل اعتقاد به حیات پس از مرگ و اینکه زندگی را دارای ناظر و نظام اخلاقی می‌داند به زندگی معنا می‌دهد.

۴. تعریف واژگان

معنا: چیزی جز مدلول و محکی لفظ نیست و آن مدلول غیر از مصداق و کارکرد معناست بلکه تصور ذهنی است که برای عالمان به وضع لفظ و معنا آشناست. این تصور و ماهیت ذهنی، مقید به قید ذهنی یا خارجی نیست.^۱

۱ - خسروپناه، عبدالحسین، *رواق اندیشه*، ش ۷، ص ۴۶.

زندگی: یعنی حیات و حیات یک نحو وجودی است که علم و قدرت از آن تراوش می‌کند.^۱ و لکن به نظر می‌رسد اطلاق کلمه زندگی در مقابل حیات بیشتر در مورد انسانها بکار می‌رود. یعنی کلمه حیات به صورت عام‌تر و در مورد کل موجودات ذی‌شعور و یا به قول مرحوم علامه طباطبائی موجوداتی که حالشان تغییر پیدا می‌کند و قوی و افعالشان تعطیل می‌شود با اینکه وجودشان باقی است مانند انسان و سایر اقسام جانوران و گیاهها که نیروها و مشاعر و کارهای خود را از دست می‌دهند و رفته رفته دستخوش فساد و تباهی واقع می‌شوند و مبدأ احساسات و ادراکات علمی و افعالی که مبتنی بر علم و اراده است می‌باشند و آن عبارتست از حیات و بطلان آن عبارتست از مرگ^۲، زندگی در اینجا به معنای مصدری آن یعنی زندگی کردن معنا می‌شود.

معنای زندگی: به نظر می‌رسد وقتی کلمه معنا ملحق به زندگی می‌شود معنای لغوی آن مورد نظر نیست بلکه معنای مصدری آن یعنی زندگی کردن بکار رفته، و در نتیجه بحث از هدف‌داری و ارزش‌داری زندگی مورد نظر است.

دین: دین مجموعه‌ای است از باورها و ارزش‌های اخلاقی و احکام که به افعال اختیاری انسان اختصاص دارد و از سوی خداوند به واسطه پیامبران برای هدایت مردم نازل شده است. دین اسلام: مجموعه آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و احکام که از سوی خداوند بر حضرت محمد(ص) نازل شده است.

۵. ضرورت پژوهش

هر انسانی در دوره‌ای از زندگی خویش بی‌شک با این سؤال مهیب و جدی روبه‌رو می‌شود که آیا اساساً زندگی ارزش زیستن دارد یا نه؟ و یا چرا باید زندگی کرد؟ و یا این عالم با همه پیچیدگی‌ها و شگفتی‌ها و رنگ و لعابی که دارد با چه هدفی پدید آمده است؟ به

۱ - علامه طباطبائی، *تفسیر المیزان*، ج ۲، ص ۴۶۴.

۲ - همان.

راستی این رفت و آمد روزها که بعد از مدتی برای هر کسی به اتمام می‌رسد، چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟ انسان از این گذشت زمان چه چیزی تحصیل می‌کند؟ و این سؤال که شالوده یک جریان فکری را تشکیل میدهد شاید در ابتدا آسان به نظر برسد اما بنا به گفته بسیاری نقطه آغازین فلسفه وجودی و سخت‌ترین سؤال بشریت را رقم می‌زند.

و به این ترتیب بحث از معنای زندگی مطرح می‌شود، از آنجایی که ادیان الهی در مورد ارائه روش زندگی و نحوه ایجاد انگیزه در انسانها برای ادامه حیات و زندگی ادعاهایی دارند و از جمله این ادیان دین مبین اسلام است، در این تحقیق بر آنیم که این ادعاها را تا حدودی ترسیم و تبیین نمائیم.

۵. پیشینه پژوهش

بحث از معنای زندگی اگرچه سابقه‌ای به اندازه همه حیات بشریت دارد اما به طور خاص در سالهای اخیر به صورت بحث جدی در بسیاری از کرسی‌های دانشگاهی و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و کتاب‌ها و مقالاتی در این باره نوشته شده است. میتوان گفت: این بحث یکی از مباحث زنده دنیا و متفکران امروز است.

اثری به صورت کتاب در آثار نویسندگان کشورمان به جز کتاب نویسنده محترم آقای علیرضا موقّق با عنوان معنای زندگی (تأملی بر دیدگاه دین و مکاتب بشری) نگاشته نشده است البته مقالاتی در این زمینه موجود است که بیشترین تعداد این مقالات در مجله نقد و نظر سال ۸۲ به چاپ رسیده است از آن جمله‌اند:

۱- خدا و معنای زندگی، نویسنده سلیمانی امیری، عسکری

۲- زندگی به روایت مرگ

۳- دین و مسئله معنا، نویسنده کیت وارد، مترجم: پویا، اعظم

۴- معنای زندگی در ادیان جهان. نویسنده: ای ام آدامزف مترجم: گلپایگانی، زهرا

همچنین در بین نویسندگان خارجی کتابی با عنوان معنی و ارج زندگی نویسنده:

رودلف اویکن ترجمه شده است و لکن کتاب، مقاله و یا رساله‌ای تحت عنوان معنای زندگی

از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان تاکنون نگاشته نشده است.

۷. معنای «معنای زندگی»

تبیین معنای حیات، موضوعی فلسفی است و غالباً این تمایل وجود دارد که با هدف و غایت زندگی یکسان تلقی شود. شاید بتوان گفت که «غایت» ناظر به آینده بوده و «معنای زندگی» به گذشته حال و آینده معطوف است. به هر حال پرسش اول این بخش معنای زندگی است. برای این منظور، ابتدا به مرور برخی رویکردها می‌پردازیم.

۱- «رودلف اوکن» معتقد است که معنی و ارج زندگی به خودی خود قابل درک نیست: این مسأله در دوران‌هایی طرح و بحث می‌شود که فرد انسان دیگر به وضوح مضمون زندگی را که محیط بر او عرضه می‌کند تمیز نمی‌دهد و این عدم یقین و تزلزل خاطر از جانب او، حکایت از آن دارد که مناسبات سنتی قدرت برابری با مقتضیات و نیازهایی که حاصل ترقی زندگی است، ندارد. ولی اگر اندیشه می‌خواست بخودی خود بدین مسأله پاسخ آورد خود را در وضعی به حقیقت بحرانی گرفتار می‌دید. تقدم و تفوقی که برای تفکرات دقیق و صائب قائل شده‌اند معمولاً جهان برون را از ما دور می‌کند و روز به روز بیشتر ورطه‌ای که ما را از آن جدا می‌سازد، ژرف‌تر می‌گرداند تا بدانجا که سرانجام امکان کشف معنی زندگی ما در آن برای ما بیش از حد بیگانه می‌گردد.^۱

۲- در مقابل آدلر بر آن است که معنای زندگی، مبارزه برای رسیدن به سر حد کمال

است.^۲

۱- اوکن، رودلف، معنی و ارج زندگی، ۱۳۵۶، ص ۳۷. ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران، دانشگاه تهران.

۲- آدلر، ۱۹۱۹، ص ۴۱.

۳- و فرانکل، لوگوس در زبان یونانی را معادل معنا گرفته و مکتب درمانی خود را بر پایه معنای هستی آدمی و تلاش برای رسیدن به این معنا استوار نموده است وی معنا را در مقایسه با منطق عمیق‌تر میدانند و اضافه می‌کند که آدمی باید ناتوانی خود را در فهمیدن بی‌قید و شرط روزگار بپذیرد.^۱

ولی سالیان بعد معتقد گردید که هر چه معنا فراگیرتر باشد کمتر قابل درک است و اگر به معنای غایی بپردازیم لزوماً ورای ادراک قرار می‌گیرد.^۲

با وجود تفاوت‌های این سه رویکرد همگی به تأثیر معنا در زندگی آدمی باور داشته و محدوده آن از برخی منظرها سلامت روان و از نگاه برخی دیگر، خودشکوفایی است. اینک معنای زندگی را از منظرهای فلسفی به اجمال مورد تأمل قرار می‌دهیم.

۸. پیشینه فلسفی

بسیاری از مسائل مربوط به معنای زندگی چکیده آن حقایق اساسی است که برخی فلاسفه و حکما در طول تاریخ اندیشه به آن پرداخته‌اند.

۱- افلاطون از معنا و مفهوم زندگی با صراحت سخن نمی‌گوید ولی زندگی را مشتمل بر دو جنبه علمی و عملی می‌داند. وی معتقد است که افراد انسانی می‌میرند ولی مثال انسان که درخشان‌ترین و بهترین همه است باقی می‌ماند و همین امر به نوعی موجب آرامش می‌شود و فیلسوف شه‌ریاران تنها کسانی هستند که می‌توانند ما را در آرامش و با جهان در هماهنگی و

۱ - فرانکل، ویکتور، ۱۳۶۷، ص ۶۴، *انسان در جستجوی معنی*، ترجمه دکتر اکبر معارفی، دانشگاه تهران.

۲ - فرانکل، ویکتور، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹، *انسان در جستجوی معنای غایی*، ترجمه احمد صبوری و عباس شمیم، تهران، نشر تهران صدا.